


# US Economic Sanctions and Iran-China Geoeconomic Interactions

## Abolfazl Ghasemi

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Email: [ab.ghasemi@umz.ac.ir](mailto:ab.ghasemi@umz.ac.ir)

 0000-0002-1393-6436

## Mahdieh Heidary

PhD in International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: [m.heydari2010@yahoo.com](mailto:m.heydari2010@yahoo.com)

## Abstract

**Introduction:** China and Iran share a close yet complex relationship. Following the U.S. withdrawal from JCPOA and the expansion of U.S. sanctions against Iran, China has become Iran's primary trade partner. Beijing has allocated significant investments in sectors such as mines, oil and gas, and the development of communication infrastructure, including roads and subways in Iran. However, what has become apparent in the increasing interactions between Iran and China in recent years is the impact of U.S. economic sanctions on their relationship, particularly after Trump took office.

**Research Question:** what effect US sanctions have had on bilateral trade and financial cooperation between Iran and China?

**Research Hypothesis:** The answer is that US oil and financial sanctions on Iran have led to an increase in Iran's foreign trade, especially in the field of energy with China, and vice versa. US trade sanctions on China have led to a decrease in investment and foreign trade. It has been done with Iran.

**Methodology:** The method of collecting information and data in this research library -documentary and the research method is based on descriptive-analytical.

**Results:** The findings of the research indicate that the Iran and China, with a realist approach, have sought to create a power balance, albeit an unequal one, by increasing their relative economic achievements against the U.S. through the development of their bilateral economic interactions. Iran has utilized China as a trump card in the international system to circumvent sanctions and enhance its economic achievements in the international trade system. China's presence in the U.N Security Council and its support for Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization and BRICS have been the most significant aspects of Iran's

efforts to circumvent U.S. sanctions. On the other hand, China will also leverage Iran as a trump card in its economic interactions, particularly in its strategy in the Middle East. The Chinese government has adopted a cautious policy in response to U.S. sanctions against Iran, in such a way that, on one hand, it has followed U.S. sanctions against Iran and reduced its imported oil from Iran, while on the other hand, it has made significant investments in various industrial sectors of Iran

Conclusion: The explanation of the impact of U.S. sanctions on Iran-China bilateral interactions, utilizing both realism and sanctions diplomacy theories, shows that the anarchic structure of the international system is a determining factor in the behavior of states and their economic objectives, as well as in the global economy. The pressure from U.S. international sanctions against Iran and China, along with the pursuit of relative economic gains from trade between them, has been the main factor in the rapprochement of these two countries. Iran's behavior towards China, as a rising power and emerging phenomenon in the international system, indicates that this country is well capable of understanding the systemic pressures of the system, particularly those imposed by the system's hegemon. Consequently, Iran has sought to circumvent the pressures of U.S. sanctions by developing its interactions with China. The Chinese government, recognizing that the Islamic Republic of Iran is in need of its support, has sought to maintain its trade and financial relations with Iran to achieve other long-term political and economic goals in the region, particularly those geopolitical objectives linked to the Belt and Road Initiative.

**Keywords:** Iran, US, China, Sanctions Diplomacy, Balance of Power, Neo-Realism

---

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations  
Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



 [10.22034/fr.2024.469430.1555](https://doi.org/10.22034/fr.2024.469430.1555)


---

# تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و تعاملات ژئواکونومیک ایران و چین

ابوالفضل قاسمی

نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

Email: ab.ghasemi@umz.ac.ir

 0000-0002-1393-6436

مهديه حیدری

دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: m.heydari2010@yahoo.com

## چکیده

این پژوهش با هدف بررسی آثار تحریم‌های ایالات متحده بر ایران و چین، به دنبال پاسخ به این پرسش است که تحریم‌های آمریکا، چه تأثیری بر همکاری‌های دو جانبه تجاری - مالی ایران و چین داشته است؟ پاسخ موقتی مطرح شده این است که تحریم‌های نفتی - مالی ایالات متحده بر ایران، منجر به افزایش تجارت خارجی ایران به‌ویژه در حوزه انرژی با چین شده است و بالعکس تحریم‌های تجاری ایالات متحده بر چین، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی آن با ایران شده است. یافته‌های پژوهش با کاربست دو نظریه ترکیبی نواقع‌گرایی و دیپلماسی تحریم، بیانگر آن است که جمهوری اسلامی ایران و چین، با رویکردی واقع‌گرایانه با توسعه تعاملات اقتصادی دوجانبه خود، درصدد ایجاد موازنه قدرت، از طریق افزایش میزان دستاوردهای نسبی اقتصادی در برابر ایالات متحده بوده‌اند. بنابراین، جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها و افزایش دستاوردهای اقتصادی در نظام تجاری بین‌المللی، از چین به‌صورت یک شریک مطمئن در نظام بین‌المللی بهره برده است و دولت چین نیز با پیروی اندک از تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، احتمالاً از آن به‌عنوان یک برگ برنده در معادلات آینده خاورمیانه بهره خواهد برد. شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای - اسنادی و روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی است.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، ایالات متحده، چین، دیپلماسی تحریم، موازنه قدرت، نواقع‌گرایی.

## مقدمه و بیان مسئله

چین و ایران روابط نزدیک اما پیچیده‌ای با یکدیگر دارند. چین بیش از ۵۰ درصد نفت مورد نیاز خود را از طریق منطقه خاورمیانه وارد می‌کند. طبق پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، سهم واردات نفت در سبد مصرفی انرژی چین از ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۷۲ درصد در سال ۲۰۳۵ خواهد رسید. ایران بعد از آنگولا و عربستان سعودی، سومین کشور صادرکننده بیشترین میزان نفت به چین است. در چند ساله اخیر به‌ویژه پس از خروج ایالات‌متحده از برجام و گسترش تحریم‌های آمریکا علیه ایران، چین به شریک اول تجاری ایران تبدیل شده است. پکن سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در بخش‌های معادن، نفت و گاز و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی مثل جاده و مترو ایران اختصاص داده است. اما آنچه در سال‌های اخیر در تعاملات روز افزون ایران و چین به نظر می‌رسد، تأثیر تحریم‌های اقتصادی ایالات‌متحده بر تعاملات ایران و چین بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ است. با خروج ایالات‌متحده از برجام و اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران، امکان تعامل مناسب ایران با بسیاری از دولت‌ها به‌ویژه اتحادیه اروپا، تقریباً غیرممکن شد، از همین رو ایران، برای جبران این وضعیت و خنثی‌سازی فشارهای آمریکا، بیش از گذشته، قدرت چین را به‌عنوان یک بازیگر توانمند در عرصه نظام بین‌المللی در نظر گرفت و سعی در توسعه تعاملات خود با این پدیده نوظهور نظام جهانی کرد. در حال حاضر بخش تجارت و سرمایه‌گذاری ایران به دلیل تحریم‌های آمریکا با نرخ رشد نزولی مواجه است. حال با توجه به این مسئله پرسشی که در ذهن متبادر می‌شود این است که تحریم‌های آمریکا، چه تأثیری بر تعاملات دو جانبه اقتصادی ایران و چین داشته است؟ پاسخ موقتی که مطرح شده این است که تحریم‌های اقتصادی ایالات‌متحده بر ایران و چین، منجر به افزایش تجارت خارجی ایران به‌ویژه در حوزه انرژی با چین شده است و بالعکس تحریم‌های ایالات‌متحده بر چین، منجر به کاهش تعاملات اقتصادی چین با ایران به‌ویژه در بخش سرمایه‌گذاری و مبادلات ارزی گردیده است. یافته‌های پژوهش، بیانگر آن است که جمهوری اسلامی ایران و چین، با رویکردی واقع‌گرایانه با توسعه تعاملات اقتصادی دوجانبه خود، درصدد ایجاد موازنه قدرت هرچند نابرابر، از طریق افزایش میزان دستاوردهای نسبی اقتصادی در برابر ایالات‌متحده بوده‌اند. جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها و افزایش دستاوردهای اقتصادی در نظام تجاری بین‌المللی، از چین به‌صورت یک برگ برنده در نظام بین‌المللی بهره برده است، حضور چین در شورای امنیت سازمان ملل و

اعلام حمایت چین از عضویت ناظر ایران در سازمان همکاری شانگهای در ۲۰۰۵ و بعد از آن به‌عنوان عضو پیوسته، حمایت از پیوستن ایران در سازمان اقتصادهای نوظهور (بریکس) در راستای سیاست‌های حمایتی چین از ایران در برابر فشارهای آمریکا است، از سوی دیگر چین نیز از ایران به‌صورت یک برگ برنده در تعاملات اقتصادی و به‌ویژه استراتژیکی خود در خاورمیانه بهره خواهد برد.

### ۱. چهارچوب نظری پژوهش

به نظر می‌رسد کاربست دو نظریه نوواقع‌گرایی (برای تحلیل تلاش ایران و به‌ویژه چین برای ایجاد موازنه و افزایش دستاوردهای اقتصادی در برابر ایالات متحده در نظام تجاری بین‌المللی) و دیپلماسی تحریم (برای تحلیل رفتار ایالات متحده در تحریم‌های علیه ایران و چین) مناسب باشد. از این رو به توضیح این دو نظریه پرداخته می‌شود.

#### ۱-۱. نوواقع‌گرایی

نظریه نوواقع‌گرایی والتز بر اهمیت ساختار نظام بین‌الملل و نقش آن به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی رفتار دولت تأکید می‌کند. والتز بر این باور است که نمی‌توان شباهت رفتار سیاست خارجی دولت‌ها را بر اساس ویژگی واحدها توضیح داد و در مقابل بایستی برای تجزیه و تحلیل توزیع قدرت در سطح سیستمی توجه داشت (Wiclawski, 2012, p 180). تأکید والتز در تئوری رئالیسم ساختاری بر این است که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل عامل اصلی تعیین‌کننده رفتار دولت‌ها و اهداف اقتصادی کشورهای مختلف و همچنین اقتصاد جهانی است. به اعتقاد والتز، توزیع قدرت میان کشورها بر نوع و شکل اقتصاد بین‌الملل تأثیر می‌گذارد و رفتار اقتصادی این کشورها را نیز مشخص می‌کند. با توجه به اینکه کشورها در نظام بین‌المللی از موقعیت‌های متفاوتی برخوردارند، نقش و تأثیر آن‌ها در اقتصاد جهانی نیز تفاوت دارد (Dehghani Firouzabadi, 2016, p135). در نظام آنارشیک بین‌الملل، امکان همکاری بسیار محدود است. هرچند دولت‌ها می‌توانند از همکاری بهره‌مند شوند، اما عواید اقتصادی معمولاً تحت تأثیر منافع سیاسی قرار می‌گیرد. با اینکه ممکن است منافع یا «دستاوردهای مطلق» ناشی از همکاری زیاد باشد، آنچه برای دولت‌ها اهمیت بیشتری دارد، دستاورد نسبی است که اگر به نفع آن‌ها نباشد، می‌تواند مانع از

همکاری یا تداوم آن گردد (Donnelly, 2000, p 154).

از دیدگاه رابرت گیلپین، یکی دیگر از نواقح گرایان، اقتصاد به عنوان حوزه‌ای برای خلق و توزیع ثروت و سیاست به عنوان قلمرو قدرت در نظر گرفته می‌شود که ثروت شامل سرمایه‌های انسانی و مادی است. بر این اساس، قدرت در اشکال مختلف خود (نظامی، اقتصادی و روان‌شناختی) به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف دیگر عمل می‌کند. به عقیده او، ظهور و تحول اقتصاد جهانی مدرن ناشی از شکل‌گیری تدریجی اقتصادهای ملی بزرگ است که توانسته‌اند برتری یابند. همچنین، نظام اقتصادی بین‌المللی نمی‌تواند بدون نظم سیاسی وجود داشته باشد و این نظم توسط قدرت برتر همون ایجاد می‌شود. ایالات متحده، پس از فروپاشی شوروی، به عنوان همون نظام بین‌المللی عمل کرده و از این قدرت برای مجبور کردن کشورها به پیروی از خود استفاده کرده است (Taliaferro, 2006, p 357).

استفن کراسنر نیز بر محدودیت‌های ناشی از فقدان اقتدار مرکزی در همکاری‌های اقتصادی دولت‌ها تأکید می‌کند. او بر این باور است که در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌المللی، باید به تأثیر عوامل سیاسی بر روابط اقتصادی توجه شود. این موضوع مطرح می‌شود که تغییر در توزیع قدرت جهانی چه تأثیری بر نظام تجاری بین‌المللی و درجه باز بودن آن دارد. دولت‌ها قادرند تعاملات اقتصادی بین‌المللی را به گونه‌ای کنترل کنند که با مفروضه‌های واقع‌گرایی درباره تلاش دولت‌ها برای حداکثر کردن قدرتشان همخوانی داشته باشد. رژیم‌های اقتصادی بین‌المللی تجسم قدرت ساختاری در نظام بین‌المللی هستند و وجود آن‌ها به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که یکی از بخش‌های دستور کار بین‌المللی را که واقع‌گرایی سنتی به آن بی‌توجه بوده، کنترل کنند (Moshirzadeh, 2023, pp 127-129).

## ۱-۲. تحریم و دیپلماسی تحریم

تحریم اقتصادی به عنوان سلاحي اقتصادی در میدان مبارزه غیرنظامی مطرح می‌شود که دیپلماسی را از گفتگو فراتر برده و به اقدام عملی می‌کشاند. این تحریم‌ها را می‌توان به عنوان تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک کشور یا چند کشور تعریف کرد که هدف آن‌ها ایجاد تغییر در سیاست‌های کشور مورد تحریم یا حداقل ابراز نظرات کشور تحریم‌کننده در برابر تحریم‌شونده است (Barrye, 1988, p4). امروزه، از تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی از سوی کشورهای دیگر استفاده می‌شود. این ابزار به دولت‌ها این امکان را می‌دهد تا بدون ورود به

درگیری نظامی، فشارهای اقتصادی را بر کشورهای هدف وارد کنند و آن‌ها را به تغییر رفتار خود وادار سازند. به طوری که هزینه‌های عدم موافقت با درخواست‌های اجباری به شدت بالا باشد (George, 1997, p 11).

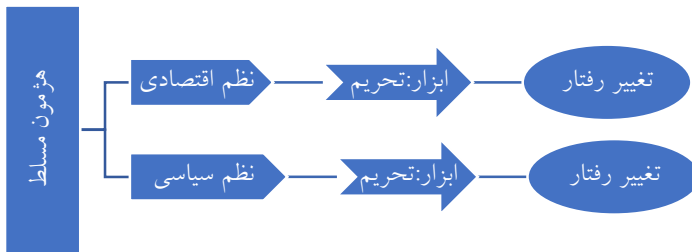
تحریم‌های اقتصادی را می‌توان برحسب اهدافی که دنبال می‌کنند، در چند قالب طبقه‌بندی کرد:

۱. تحریم تجاری: شامل دو دسته واردات و صادرات می‌باشد. تحریم واردات: در این نوع تحریم، واردات یک یا چند کالای کشور هدف از سوی کشور یا کشورهای تحریم‌کننده محدود یا ممنوع می‌گردد. هدف این تحریم محدود ساختن توان کشور هدف برای کسب درآمدهای ارزی و کاهش توانایی آن‌ها در تأمین کالاهای مورد نیاز است. این نوع تحریم می‌تواند به قصد ضربه اقتصادی به یک صنعت خاص یا بخشی از کشور هدف صورت گیرد. تحریم صادرات: در این نوع تحریم، صادرات کالاهای خاص به کشور هدف از سوی کشورهای تحریم‌کننده ممنوع و محدود می‌شود. در نتیجه، مصرف‌کنندگان در کشور هدف باید قیمت‌های بالاتری پرداخت کنند و تولیدکنندگان کشور صادرکننده قیمت‌های کمتری دریافت می‌کنند. این نوع از تحریم‌ها، معمول‌ترین نوع تحریم‌ها محسوب می‌شوند و ممکن است جزئی یا کامل باشند.

۲. تحریم‌های مالی: این تحریم‌ها بر اساس نهادهای مالی به سه حوزه بانک، بیمه و بورس تقسیم می‌شوند. این نوع تحریم‌ها محدودیت‌های بیشتری روی پرداخت‌های بین‌المللی اعمال می‌کنند تا مانع گریز از اثرات تحریم‌های اعمال شده شوند. علاوه بر این، دارایی‌های خارجی کشور هدف ممکن است فریز شود (Kazerooni & Khezri, 2018, p315). این طبقه‌بندی‌ها نشان‌دهنده تنوع و پیچیدگی ابزارهای تحریم اقتصادی هستند که دولت‌ها برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود مورد استفاده قرار می‌دهند.

همچنین دیپلماسی تحریم شامل سه نوع تهدید است: تهدیدات سیاسی یا دیپلماتیک (این نوع تهدید می‌تواند به سطح متوسطی از اجبار منجر شود) تهدیدات اقتصادی (این نوع قوی‌تر از تهدیدات سیاسی است و شامل تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه می‌شود) تهدید به زور (این شکل، افراطی‌ترین نوع اجبار است) دیپلماسی تحریم هنگامی موفق است که با انگیزه‌های مثبت همراه باشد و زمینه‌ها و اولویت‌های مهم و باارزش کشور رقیب را هدف قرار دهد (Bratton, 2018, p 106).

اثرات دیپلماسی تحریم بر دو فرض اساسی واقع‌گرایی استوار است. یکی قطع رابطه تجاری و تحریم اقتصادی، این اقدامات کشور تحت تحریم را از برخی منافع حاصل از تجارت متقابل جهانی محروم کرده و در نتیجه، بر رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و در نهایت مشروعیت و انسجام ملی آن دولت تأثیر منفی می‌گذارد (بازی حاصل جمع جبری صفر). دیگری عدم استفاده از سود تجاری، این موضوع بر کشور تحریم شده تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به‌عنوان یکی از پایه‌های اصول اقتصادی در نظر گرفته شود. تصور می‌شود که قطع رابطه تجاری، باعث تغییر رفتار می‌شود (Wieclawski, 2019, p 345). به‌طور کلی، دیپلماسی تحریم به دنبال ایجاد فشار اقتصادی و سیاسی به‌منظور تغییر رفتار کشورها بدون نیاز به روی آوردن به خشونت یا جنگ است. الگوی چهارچوب نظری مقاله را به‌صورت زیر می‌توان ترسیم نمود



شکل شماره ۱. چهارچوب نظری تحقیق

## ۲. یافته‌های پژوهش

### ۲-۱. تعاملات دو جانبه تجاری- مالی ایران و چین

روابط اقتصادی چین و ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ آغاز شد. تمامی رؤسای جمهوری ایران از اول انقلاب تاکنون به ترتیب دیدارهایی با بالاترین سران چینی داشته‌اند. از سال ۲۰۰۱ به بعد، با پیروزی جورج بوش پسر، به دلیل سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید آمریکا و محور شرارت خواندن ایران، عراق و کره شمالی، ایران انگیزه بیشتری برای توسعه روابط با چین یافت. با پیروزی محمود احمدی‌نژاد و اعمال تحریم‌های سنگین آمریکا و سازمان ملل بر ایران و با قطع رابطه

دولت‌های غربی با ایران، دولت وقت ایران تلاش کرد برای خروج از این انزوای بین‌المللی و دور زدن تحریم‌های ایالات متحده و سازمان ملل، تعاملات و روابط سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای با چین برقرار کند، به همین خاطر حجم تجارت ایران با چین در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید (Harold, 2018, p 37). در سال ۲۰۱۶، حسن روحانی و رئیس‌جمهور چین «شی جین پینگ» در ایران با هم دیدار و بر افزایش حجم تجارت ایران و چین به حدود ۶۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۶ تأکید کردند (Houlden and Zaamout, 2019, p 56). همچنین سید ابراهیم رئیسی، در دیدار با رئیس‌جمهور چین، برنامه همکاری‌های جامع راهبردی ایران و چین را نشانه و نماد اراده دو کشور برای توسعه همه جانبه روابط دانست و اظهار داشت: ظرفیت‌های گسترده موجود در زمینه‌های نفت و انرژی، ترانزیت، کشاورزی، تجارت و سرمایه‌گذاری بستر بسیار مناسبی برای تعمیق و توسعه روابط اقتصادی بین دو کشور خواهد بود.

تجارت ایران و چین در طول سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴، از ۵/۶ میلیارد دلار به ۵۱/۸ میلیارد دلار افزایش یافت (Green & Roth, 2021, p8). در سال ۲۰۱۶، ۶۶ درصد کل صادرات ایران به چین، شامل نفت خام بوده است، که این امر بیانگر آن است که ۷/۹ درصد از واردات نفت خام چین را نفت ایران شکل داده است. علی‌رغم، تلاش دو دولت ایران و چین برای افزایش حجم تجارت خارجی‌شان با یکدیگر، در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴، به یکباره ارزش تجاری صادرات ایران به چین به طرز چشم‌گیری افت کرد، که این مسئله نشان می‌دهد روابط اقتصادی دو کشور متأثر از بازارهای جهانی هم هست، در طول این دو سال بازار جهانی نفت با کاهش شدید قیمت روبه‌رو بوده است. اما علی‌رغم این کساد بازار جهانی، ایران به‌طور کلی سود حاصل از تجارت خود را تاکنون با چین حفظ کرده است (Davis, et al, 2019, p378). به‌گونه‌ای که ارزش این مازاد تجاری (سود حاصل از فروش نفت) در سال ۲۰۱۱، به حدود ۱۴/۴ میلیارد دلار رسید و در سال ۲۰۱۶، کل ارزش تجاری ایران به چین ۷۱ درصد به نسبت سال ۲۰۱۴، افزایش پیدا کرد. این مازاد تجاری در سال ۲۰۱۵ نیز، در حدود ۱/۵ میلیارد رشد داشته است. اما، این سود مازاد در سال ۲۰۱۷ با فشارها و تحریم‌های آمریکا بر چین و ایران، نسبت به سایر دوره‌ها، به کمترین حد خود یعنی به ۸۴ میلیون دلار رسید (Ghadery, 2018, p 115). ایران دومین دریافت‌کننده بزرگ سرمایه‌گذاری‌های چین در بین کشورهای منا، با سرمایه‌ای معادل ۲۴/۳

میلیارد دلار از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ بوده است. به این صورت که ۱۲ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های چینی‌ها در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، در ایران بوده است. از سوی دیگر در تعاملات تجاری بین دو کشور، به دلیل تحریم‌های تجاری ایران از سوی آمریکا، حجم صادرات ایران به چین در سال ۲۰۱۹ به ۱۳/۴۳ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال‌های قبل ۳۶/۳ درصد کمتر شد و بالعکس صادرات چین به ایران ۹/۵۹ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد. در حقیقت سهم ایران در تجارت بین‌المللی چین از مجموع تجارت خارجی این کشور، به حدود ۵ درصد می‌رسد. تجارت خارجی چین در سال ۲۰۱۹ به حدود ۴/۵۷۶ تریلیون دلار رسید. با این حال، از سال ۲۰۱۸ به بعد با شدت تحریم‌های بین‌المللی آمریکا علیه ایران، چین بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران شده است (Jalilov, 2020).

بر طبق آمار منتشر شده از سوی گمرک چین نیز مبادلات تجاری این کشور با ایران در سال ۲۰۲۰ به ۱۴/۹ میلیارد دلار رسید. چین در سال ۲۰۲۰، بالغ بر ۶/۴ میلیارد دلار کالا از ایران وارد کرده است اما صادرات چین به ایران در ۲۰۲۰، به ۸/۴ میلیارد دلار رسیده بود. همچنین میزان صادرات به چین طی سال ۲۰۲۱ با ایران بالغ بر ۶/۵ میلیارد دلار گردیده است. بر مبنای این آمار، میزان واردات از چین به بیش از ۸ میلیارد دلار می‌باشد. مجموع تجارت دو کشور در ۲۰۲۱ به ۱۴/۵ میلیارد دلار رسیده بود. بر اساس آمار گمرک چین، میزان کل مبادلات تجارت خارجی چین طی سال ۲۰۲۲ با ایران بالغ بر ۱۵/۶ میلیارد دلار گردیده و نسبت به سال ۲۰۲۱ نزدیک به ۱/۰۳ میلیارد دلار افزایش داشته است که تراز مبادلات تجاری ایران و چین در سال ۲۰۲۲ بیش از ۳ میلیارد دلار به نفع طرف چینی شده است (stats.customs.gov.cn/indexEn).

میزان مبادلات تجاری چین با جمهوری اسلامی ایران طی سال ۲۰۲۳ بالغ بر ۱۴/۶ میلیارد دلار گردیده است. بر اساس آمار مذکور، صادرات اقلام و کالاهای مختلف از کشورمان به چین طی سال جاری میلادی بالغ بر ۴/۵ میلیارد دلار بوده که این رقم نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۲۲ حدود ۱/۸۶ میلیارد دلار کاهش یافته است. در مقابل میزان واردات از چین به رقم ۱۰ میلیارد دلار رسیده که این میزان در مقایسه با مدت مشابه در سال ۲۰۲۲ بیش از ۱/۱۹ میلیارد دلار افزایش را نشان می‌دهد. حسب آمار گمرک چین، در حالی که در سال ۲۰۲۲ میزان واردات متعارف و رسمی نفت از ایران بالغ بر ۷۸۰ هزار تن به ارزش ۵۶۰/۶ میلیون دلار بوده است، در سال ۲۰۲۳ میزان خریدهای نفتی چین از ایران به دلیل

ملاحظات تحریمی از فهرست اقلام وارداتی از ایران به‌طور کامل حذف شده است (معاونت دیپلماسی وزارت خارجه، <https://economic.mfa.ir/portal/newsview/726953>). در ۵ ماه نخست ۲۰۲۴ حجم کل مبادلات دو کشور ۵/۸ میلیارد دلار بوده است. که میزان صادرات ایران ۱/۷ میلیارد دلار و میزان صادرات چین ۴/۱ میلیارد دلار را در برمی‌گیرد.

جدول شماره ۱: تجارت ایران و چین ۲۰۱۵-۲۰۲۴

سال	صادرات ایران (میلیارد دلار)	واردات ایران (میلیارد دلار)	مجموع صادرات-واردات (میلیارد دلار)
۲۰۱۵	۱۶	۱۷,۷	۳۳,۸
۲۰۱۶	۱۴,۸	۱۶,۴	۳۱,۲
۲۰۱۷	۱۸,۵	۱۸,۵	۳۷,۱
۲۰۱۸	۲۱,۱	۱۳,۹	۳۵
۲۰۱۹	۱۳,۴	۹,۵	۲۳
۲۰۲۰	۶,۴	۸,۴	۱۴,۹
۲۰۲۱	۶,۵	۸	۱۴,۵
۲۰۲۲	۶,۳	۹,۲	۱۵,۶
۲۰۲۳	۶,۵	۱۰	۱۴,۶
۲۰۲۴ (ژانویه-می)	۱,۷	۴,۱	۵,۸

Source: stats.customs.gov.cn/indexEn

## ۲-۲. تحریم‌های اعمالی آمریکا علیه ایران و چین

تحریم‌های اعمالی از سوی آمریکا را می‌توان به دوره قبل از برجام و بعد از خروج از برجام تقسیم نمود.

### ۲-۲-۱. تحریم‌های آمریکا علیه ایران قبل برجام

اعمال تحریم‌های آمریکا تأثیر بسیار مخربی را بر اقتصاد ایران گذاشته است. در طول سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، جامعه بین‌المللی ایران را تحت فشار شدید اقتصادی قرار داد و اقتصاد ایران ناگهانی افت شدیدی کرد، به‌گونه‌ای که جریان صادرات نفت ایران بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت و ایران نه تنها قادر به دسترسی به دارایی‌های بین‌المللی خود نشد بلکه قدرت دسترسی به مبادلات مالی با سایر دولت‌ها را در عرصه تجارت بین‌المللی نداشت. با اعمال این تحریم‌های شدید اقتصادی نرخ رشد

تولید داخلی ایران نیز با کاهش مواجه گردید. چنانکه در جدول زیر می‌توان نرخ تولید ناخالص داخلی ایران را ملاحظه نمود.

جدول شماره ۲: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران از ۲۰۱۰-۲۰۲۳

سال	تولید ناخالص داخلی (بیلیون دلار)	نرخ رشد
۲۰۱۰	۴۸۶,۸	۵,۸
۲۰۱۱	۶۲۶,۱	۲,۶
۲۰۱۲	۶۴۴	-۳,۷
۲۰۱۳	۴۹۲,۷	-۱,۵
۲۰۱۴	۴۶۰,۳	۵
۲۰۱۵	۴۰۸,۲	-۱,۴
۲۰۱۶	۴۵۷,۹	۸,۸
۲۰۱۷	۴۸۶,۶	۲,۸
۲۰۱۸	۳۲۹,۶	-۱,۸
۲۰۱۹	۲۸۳,۶	-۳,۱
۲۰۲۰	۲۳۹,۷	۳,۳
۲۰۲۱	۳۵۹,۱	۴,۷
۲۰۲۲	۴۱۳,۳	۳,۸
۲۰۲۳	۴۰۱,۵	۵

Source: <https://data.worldbank.org/country/iran-islamic-rep?view=chart>

همان‌گونه از جدول بالا مشاهده می‌گردد، رشد ناخالص داخلی ایران به‌طور مستقیم از تحریم‌های اقتصادی اثر پذیرفته است. تحریم‌هایی که پس از سال ۲۰۱۰ به دلایل برنامه‌های هسته‌ای بر بخش‌های مختلف ایران از جمله انرژی، مالی و نفتی اعمال گردید منجر به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش صادرات نفت و تنزل دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی همه بر نرخ رشد ناخالص داخلی ایران اثر منفی گذاشته است. بعد از امضای توافق برجام به دلیل رشد سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت صادرات نفت، رشد اقتصادی ایران در طول سال ۲۰۱۶-۲۰۱۸ به ۷ درصد دست یافت. صندوق بین‌المللی پول نیز اعلام داشت در بازه مارس ۲۰۱۹ تا مارس ۲۰۲۰ اقتصاد ایران حدود ۸ درصد تنزل داشته است. بنا به گزارش بانک جهانی نرخ رشد ناخالص ملی ایران در سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳  $\frac{3}{8}$  درصد بوده است (Mermertas, 2024, p. 105-106).

## ۲-۲-۲. تحریم‌های آمریکا علیه ایران بعد از برجام

سابقه استفاده از تحریم‌های ثانویه در زمان اوباما در سال ۲۰۱۱ در بخش انرژی، کشتیرانی، بانکی ایران اعمال گردید (Bartlett & Ophel, 2022, p.10) بر اساس قانون اینارا در می ۲۰۱۵، رئیس‌جمهور آمریکا هر چهارماه بایستی تعهد ایران به برجام را تأیید می‌کرد و در صورت عدم تأیید، کنگره در بازه زمانی شصت روزه، طرحی را برای اعمال دوباره تحریم‌های آمریکا علیه ایران اجرا نماید. بر این اساس، ترامپ در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ از تأیید عملکرد ایران امتناع نمود. در گام دوم در ۸ می ۲۰۱۸، دونالد ترامپ، اعلام کرد که برجام هیچ نفعی برای آمریکا نداشته است، بنابراین تحریم‌های ثانویه را مجدداً بر ایران اعمال کرد. این تحریم‌های ثانویه پس از انقضای دو دوره ۹۰ و ۱۸۰ روزه بر اساس نوع و بخش فعالیت اقتصادی، مجدداً مورد تحریم قرار می‌گرفت (Mermertas, 2024, p.95). به عبارت دیگر آمریکا در سال ۲۰۱۹ بیان داشت معافیت‌های تحریمی آمریکا برای صنعت نفت ایران خاتمه می‌یابد و در سال ۲۰۲۰ اعلام کرد که تحریم‌ها را در حوزه نفت، بانک و کشتیرانی ایران گسترش خواهد داد (Arms Control Association, 2021). اعمال این تحریم‌ها در چهارچوب سیاست فشار حداکثری آمریکا بر ایران بود که با هدف برگرداندن مجدد ایران بر سر میز مذاکره و تجدید نظر در برجام اعمال می‌شد. این سیاست باعث خروج شرکت‌های بین‌المللی از ایران شد و اقتصاد ایران در بدترین وضعیت خود قرار گرفت. صادرات نفت ایران، به طرز چشم‌گیری کاهش یافت، به‌ویژه در سال ۲۰۱۹، خرید نفت ایران کاهش یافت (Fassihi, Lee Myers, 2020). در دوره ۱۸۰ روزه معاملات تجاری و سرمایه‌گذاری ایران در بخش‌های زیر بایستی قطع می‌گردید: کشتی‌سازی و کشتیرانی، قراردادهای نفتی (خرید نفت خام، محصولات پتروشیمی)، معاملات مالی، بیمه و بخش انرژی. به‌طور کلی تحریم‌های ثانویه شامل شرکت ملی نفت، شرکت بازرگانی نفتیران، شرکت ملی نفتکش، بانک مرکزی ایران را در برمی‌گرفت. ایجاد این ممنوعیت‌ها علاوه بر کاهش در میزان فروش نفت و خرید محصولات پتروشیمی ایران انجامید، ممنوعیت بر بیمه محموله‌های نفتی ایرانی، تانکرهای نفت خام ایران، باعث شد که کشتی‌ها و تانکرهای خارجی از حمل نفت و محصولات پتروشیمی ایران امتناع نمایند. همچنین به دلیل حضور بزرگ‌ترین بیمه‌گران نفتی جهان در اروپا، اعمال تحریم‌های ثانویه بر صنعت حمل و نقل نفت ایران، صادرات به کشورهای غیراروپایی با کاهش مواجه گردید (Razavi & Zeinodini, 2018, 49-50). ایالات متحده ۸ کشور واردکننده نفت از جمله چین راه به مدت شش ماه معافیت داد

که بتوانند از ایران نفت وارد نمایند اما بعد از این مدت باید میزان واردات خود را کاهش دهند. بنا به اظهار نظر وزیر امور خارجه آمریکا، درآمد حاصل از فروش نفت ایران به طور کامل در حساب‌های خارجی محفوظ خواهد بود (Sagin, 2018, p5).

### ۲-۳. تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه چین

چین بعد از آمریکا با GDP ۱۳/۶ هزار میلیارد دلار بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است (GDP آمریکا معادل ۲۰/۵ میلیارد دلار است). همان‌گونه که جدول زیر نشان می‌دهد صادرات چین به آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ حدوداً ۱/۵ برابر و واردات چین از آمریکا طی همین دوران ۱/۷ برابر شده است. در سال ۲۰۱۹، به دلیل آغاز جنگ تجاری بین دو کشور صادرات و واردات چین به و از آمریکا به ترتیب به ۴۱۸ و ۱۲۲ میلیارد دلار کاهش پیدا کرده است (Khalid, 2020). صادرات چین به آمریکا در سال ۲۰۲۳ معادل ۱۵ درصد کل صادرات چین را فرا گرفته بود و واردات از آمریکا معادل ۷ درصد بازار چین را شامل می‌شد.

جدول شماره ۳: تعاملات تجاری آمریکا-چین ۲۰۱۵-۲۰۲۴

سال	واردات از آمریکا (میلیارد دلار)	صادرات به آمریکا (میلیارد دلار)	مجموع صادرات-واردات (میلیارد دلار)
۲۰۱۵	۱۴۷,۸	۴۰۹,۲	۵۵۷
۲۰۱۶	۱۳۴,۴	۳۸۳,۲	۵۱۹,۷
۲۰۱۷	۱۵۳,۹	۴۲۹,۷	۵۸۳,۶
۲۰۱۸	۱۵۵,۱	۴۷۸,۳	۶۳۳,۵
۲۰۱۹	۱۲۲,۸	۴۱۸,۶	۵۴۱,۵
۲۰۲۰	۱۳۵,۲	۴۵۱,۷	۵۸۶,۹
۲۰۲۱	۱۷۸,۳	۵۶۷,۱	۷۴۵,۹
۲۰۲۲	۱۷۶,۱	۵۷۵,۴	۷۵۱,۶
۲۰۲۳	۱۶۳,۷	۵۰۰,۲	۶۶۳,۹
۲۰۲۴ (ژانویه-می)	۶۷,۶	۱۹۵,۸	۲۶۳,۵

Source: stats.customs.gov.cn/indexEn

وزارت خزانهداری آمریکا، چین را به دست‌کاری در ارزش پول ملی خود، اختلال در قیمت فولاد و آلومینیوم، سرقت مالکیت معنوی و سوءاستفاده از تجارت جهانی متهم نموده است. آمریکا در جهت مقابله با چین، ابزار سیاست تحریم را به کار گرفته

است، تا بتواند چین را با مشکلات اقتصادی روبه‌رو سازد. کنگره با حمایت ترامپ تحریم شرکت مخابراتی را چین را از طریق وزارت بازرگانی آمریکا ۸۹۲ میلیون دلار جریمه کرد. دولت آمریکا، شرکت هوآوی و ۷۰ شرکت وابسته به آن را نیز تحریم کرد. اولین مسئله حائز اهمیت در ارتباط با این تحریم‌ها، دامنه اثرگذاری تعرفه‌هاست که بر سایر بخش‌های دیگر اقتصادی تأثیرگذار بوده است. ۱۶/۴ درصد از کل تجارت خارجی آمریکا با کشور چین انجام می‌شود (Larson, 2020: p5).

### ۳. جایگاه راهبردی چین و ایران در تعاملات ژئواکونومیک یکدیگر

دو کشور ایران و چین دارای رابطه تاریخی بوده‌اند. در طول جنگ سرد دو کشور تحولات سیاسی بزرگی را تجربه نمودند. چین تحت رهبری مائو به دولت کمونیستی تبدیل گردید و ایران به انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ منجر شد. منافع دو کشور از جمله نیازهای انرژی چین و تلاش ایران برای شکستن انزوای بین‌المللی خودش بعد از انقلاب اسلامی باعث نزدیکی دو کشور به یکدیگر گردید. ایران برای چین به خاطر اهمیت استراتژیک خاورمیانه، منابع طبیعی خصوصاً نفت و گاز و مخالف سلطه آمریکا حائز توجه اساسی است. شراکت ایران و چین ریشه در یک همکاری عمل‌گرایانه محدود شده دارد اما این شراکت به مخالف آشکار به نظم بین‌المللی آمریکایی محور در سال‌های اخیر تبدیل شده است. چین مخالفت ایران با ایالات متحده را به‌مثابه افزایش اثر جهانی در حال گسترش چین تصور می‌کند. از نظر ایران، شراکت با چین به‌عنوان راه نجات اقتصادی و تأمین‌کننده عرصه و اقدامات دیپلماتیک علیه اقدامات قهرآمیز ایالات متحده محسوب می‌شود. انعقاد تفاهم‌نامه راهبردی چین-ایران در سال ۲۰۲۱ باعث شد رابطه محدود بین دو کشور به یک مشارکت راهبردی جامع تبدیل گردد که بر اساس این تفاهم چین در ۲۵ سال آینده حدود ۴۰۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری خواهد کرد (Hussain et al, 2024, p228). انتظاری که از این توافق‌نامه دوجانبه می‌رود این است که روابط دوجانبه ایران و چین را تعمیق بخشیده و نقش چین در جغرافیای سیاسی خاورمیانه را گسترش خواهد داد. همچنین پیش‌بینی می‌شود این تفاهم‌نامه فضای تنفسی برای اقتصاد تحریم شده ایران فراهم می‌کند و از طرف دیگر تأمین انرژی چین را تضمین خواهد کرد. در نتیجه موقعیت جغرافیای سیاسی ایران، در پروژه ابتکار کمربند - جاده چین از دریای مازندران به اقیانوس هند نقش مهمی ایفا می‌کند.

رابطه دو کشور از زمانی تبدیل به یک دوستی همه جانبه گردید که رئیس‌جمهور چین، شی جین پینگ خبر ابقای جاده شیری باستانی را اعلام نمود و درصدد اتصال چین با بقیه کشورهای جهان از طریق توسعه ابتکارات کمربند-جاده است. در این طرح چین، ایران موقعیت استراتژیک خودش را با چین از طریق انعقاد قرارداد مشارکت راهبردی جامع در ژانویه ۲۰۱۶ کسب نمود. از نظر چین، ایران به دلیل موقعیت استراتژیکی در جنوب غربی، آسیای مرکزی، خاورمیانه و منابع انرژی زیاد به‌عنوان بازیگر اصلی در طرح کمربند-جاده قرار می‌گیرد. ایران به‌عنوان پل اتصال چین به آسیای مرکزی و غربی، خاورمیانه و آفریقا با احیای جاده شیری باستانی، نقشی اساسی بازی می‌نماید. این ابتکار و جاده همچنین به چین اجازه واردات انرژی از این مناطق را از طریق کریدور زمینی و ادغام با اقتصادهای آسیای مرکزی و غربی را می‌دهد (Bird et al., 2020). چین با انعقاد تفاهم‌نامه ۲۵ ساله با ایران به دنبال ادغام ایران به درون مسیرهای تجاری ابتکار کمربند - جاده، سرمایه‌گذاری در استخراج نفت و گاز، ساخت زیرساخت‌ها به دنبال اتصال مسیر کمربند-جاده به ترکیه و افزایش همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی به دنبال مقابله با تروریسم و جدایی‌طلبی خواهد بود (Tiezzi, 2021).

بر طبق نظر تحلیلگران عرصه سیاست جهانی این توافق‌نامه حضور استراتژیکی آمریکا را در منطقه برای دهه‌ها به چالش خواهد کشید و احتمال اینکه این همکاری، یک چالش جدید و خطرناکی را در و خیم‌تر شدن روابط بین ایالات‌متحده و چین ایجاد کند، دور از نظر نخواهد بود. حتی گفته می‌شود که این میزان سرمایه‌گذاری عظیم چین در ایران، در حقیقت یک «تغییردهنده بازی»<sup>۱</sup> چین و ایالات‌متحده در خاورمیانه است (Pei, 2020).

سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار برای ۲۵ سال، یک سیاست تنبیهی شدید چینی برای آمریکا است که شرکت‌های این کشور را تحریم کرده است. این وضعیت ممکن است که مجدداً تحریم‌های آمریکا را بر شرکت‌های چینی که با ایران نیز در ارتباطند زیادتر کند. در جدول زیر حجم سرمایه‌گذاری مستقیم چین در ایران را می‌توان ملاحظه داشت.

جدول شماره ۴: سرمایه‌گذاری مستقیم چین در ایران ۲۰۱۹-۲۰۰۴

سال	(USD 10000)
۲۰۰۴	۴۲۹
۲۰۰۵	۴۲۰
۲۰۰۶	۶۴۰
۲۰۰۷	۷۴۵
۲۰۰۸	۲۷۰۲
۲۰۰۹	۱۹۱۲
۲۰۱۰	۱۷۸۶
۲۰۱۱	۷۸۷
۲۰۱۲	۴۱۰
۲۰۱۳	۳۲۵
۲۰۱۴	۳۸۰
۲۰۱۵	۲۴۶
۲۰۱۶	۳۸۲
۲۰۱۷	-
۲۰۱۸	۱۰
۲۰۱۹	-
۲۰۲۰	۹۲

Source: <https://data.stats.gov.cn/english/easyquery.htm?cn=C01>

حجم سرمایه‌گذاری در ایران در نقطه اوج آن ۵ میلیارد در سال ۲۰۱۷ بود و با بازگشت تحریم‌های ثانویه به ۱/۵ میلیارد در سال ۲۰۱۹ رسید. یعنی ۷۰ درصد دچار سقوط شد. سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران از ۴۶۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ به ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش پیدا کرد. یعنی با رشد ۵۴۱ درصدی همراه بوده است که بیشتر بخش‌های انرژی و مواد خام را فرا می‌گرفت. در سال ۲۰۲۰ در سطح ۱۴/۹ میلیارد دلار باقی ماند (Green & Roth, 2021, p9). حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در ایران از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ رشدی ۳۲۷ درصدی را طی نموده است. یعنی کمتر از ۱ میلیارد دلار به حدود ۲/۵ میلیارد دلار رسید. اما در همین بازه زمانی میزان سرمایه‌گذاری چین در کشورهای حاشیه خلیج فارس رشدی ۱/۹۴۱ درصدی داشت (Green & Roth, 2021, p10).

### ۳-۱. راهبرد تجاری - مالی چین در برابر تحریم‌های آمریکا علیه ایران

رقابت ایالات متحده با چین، در راستای تسخیر بازارها، سرمایه‌گذاری، استفاده از ابزارهای اقتصادی و رقابت بر سر ماهیت نظام جهانی اقتصادی است (Shatz, 2020). این رقابت مستقیم یا غیرمستقیم با اهداف دیگری مرتبط است. چین، یک فاکتور بسیار تأثیرگذار در تمامی تحریم‌ها علیه ایران بوده است، چون چین بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت ایران است. در طول سال‌های ۲۰۱۲ - ۲۰۱۶، چین در کاهش حجم کلی صادرات نفت ایران، نقش بسیار سازنده‌ای داشته است؛ چون این کشور خرید نفت از ایران را در حدود ۴۳۵,۰۰۰ بشکه روزانه، نسبت به سال ۲۰۱۱، که روزانه ۶۰۰,۰۰۰ بشکه روزانه وارد می‌کرد، کاهش داد. و این کاهش خرید چین، تأثیر شدیدی را بر کاهش میزان فروش نفت ایران گذاشت. بعد از تعلیق تحریم‌های ایران در سال ۲۰۱۶، چین میزان خرید نفت را از ایران فراتر از سال ۲۰۱۱ برد. با تحمیل مجدد تحریم‌های آمریکا، چین میزان خرید نفت از ایران را کاهش داد (Sauer, 2019, p 219).

در اواسط سال ۲۰۱۹، آمریکا، واحدهای اقتصادی چینی را به دلیل مبادلات مالی با ایران تحریم کرد. در مارس ۲۰۱۹ شرکت هوآوی<sup>۱</sup> حدود ۲۵۰ نفر از پرسنل خود را از ایران خارج نمود. در سال ۲۰۱۹، شرکت ملی نفت چین ۵ میلیارد دلار از پروژه توسعه گاز پارس جنوبی را به دلیل تحریم‌های آمریکا از ایران خارج نمود (Green & Roth, 2021, p13). همچنین در بزرگ‌ترین پروژه بالادستی میدان نفتی «یادآوران» که توسط شرکت چینی سینوپک از سال ۲۰۱۶ آغاز شده بود برای فاز دوم به تأخیر افتاد. با افزایش فشارها و تنش‌های تجاری آمریکا بر چین، در ۹ آوریل ۲۰۲۰، بانک کانلان<sup>۲</sup>، بانک دولتی چین که فرایندهای پولی و مالی تجارت دوجانبه ایران و چین را انجام می‌دهد، اعلام کرد که دیگر قادر به انجام این کار نیست. در ۲۳ ژوئای ۲۰۱۹، یک شرکت چینی، شرکت ژوهای ژنرونک<sup>۳</sup>، را به دلیل خرید نفت ایران تحریم کرد. همچنین در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۹، آمریکا چندین سوبسید دهنده و شرکای چینی COSCO کمپانی کشتیرانی را تحریم کرد (OFAC, 2019). بر اساس قانون سیسادا، بانک Kunlun در چین به خاطر ارائه تسهیلات و خدمات مالی به بانک‌های تحریمی ایران مورد تحریم واقع شده بود، مجدداً بازگشت. به‌طور کلی

1. Huawei
2. KunLun
3. Zhuhai Zhenrong

ایالات متحده آمریکا تحریم حدود ۴۵ شرکت چینی را به خاطر نقض تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران بر چین اعمال نمود (Bartlett and Ophel, 2022, p 2).

چین علی‌رغم همه این تحریم‌ها، همچنان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در ایران است (Katezman, 2020, p 64). وی مین<sup>۱</sup>، کنسول سفارت چین در تهران، گفت: «چین علی‌رغم فشارهای آمریکا همچنان به واردات نفت خود از ایران ادامه خواهد داد». در فوریه ۲۰۲۴ وزارت خزانه‌داری آمریکا یک کشتی هنگ کنگی را به دلیل نقش آن در تأمین، کمک مالی، حمایت‌های تکنولوژیکی، کالا یا خدمات و ... دارای محموله‌ای به ارزش بیش از ۱۰۰ میلیون دلار از ایران به چین بود را تحریم نمود. همچنین محموله نزدیک به ۱ میلیون بشکه نفت ایران را از نفتکش سوئز راجان، ضبط و فروخت. چیزی که وزارت دادگستری آمریکا تحت عنوان اولین قطع‌نامه کیفری علیه شرکتی که تحریم‌های آمریکا را نقض نماید، خطاب داشت (Thomas, Rosen & Elsea, 2024, p2).

در زمان ترامپ به کاپیتان‌های کشتی‌های حمل‌کننده نفت ایران ایمیل فرستاده می‌شد برای ارائه پاداش به این کاپیتان‌ها به خاطر هدایت کشتی‌های حامل نفت ایران به کشورهایی که محموله را برای آمریکا توقیف نمایند.

اگرچه چین با فشارهای آمریکا، موازنه نفتی را تا حدی در سال ۲۰۲۰، به نفع عربستان سعودی تغییر داده است، اما همچنان به وارد کردن نفت از ایران ادامه می‌دهد. این احتمال وجود دارد که استراتژیست‌های چینی از ایران به صورت یک امتیاز تاکتیکی در بخشی از مذاکرات تجاری‌شان با ایالات متحده استفاده کنند. اما دولت آمریکا اصرار دارد که آن‌ها فشار تحریم‌ها را بر چینی‌هایی که روابط تجاری مستحکمی را با ایران دارند، کاهش نخواهند داد تا از این طریق بتوانند امتیازاتی را از پکن در عرصه جهانی به دست آورند (Bourse & Bazaar, 2020).

تولید و صادرات نفت خام ایران به چین از ۲۰۱۲-۲۰۲۳ بر مبنای گزارش اوپک را می‌توان در جدول زیر بیان نمود:

جدول شماره ۵: تولید و صادرات نفت خام ایران به چین از ۲۰۱۲-۲۰۲۳

سال	تولید روزانه (1000b/d)	کل صادرات (1000b/d)	صادرات به چین
۲۰۱۲	۳۷۴۰	۲۱۰۲	۴۴۰
۲۰۱۳	۳۵۷۵	۱۲۱۵	۴۳۱
۲۰۱۴	۳۱۱۷	۱۱۰۹	۵۳۶
۲۰۱۵	۳۱۵۲	۱۰۸۱	۵۳۴
۲۰۱۶	۳۶۵۱	۱۹۲۱	۵۸۱
۲۰۱۷	۳۸۶۷	۲۱۲۵	۵۱۵
۲۰۱۸	۳۵۴۳	۱۸۴۹	۵۸۵
۲۰۱۹	۲۳۶۳	۶۵۱	۲۹۸
۲۰۲۰	۱۹۹۱	۴۰۴	۷۸
۲۰۲۱	۲۳۹۲	۷۶۳	۲۳۰
۲۰۲۲	۲۵۵۴	۹۰۱	۲۷۶
۲۰۲۳	۲۸۵۹	۱۳۲۳	۴۸۶

Source: [https://www.opec.org/opec\\_web/static\\_files\\_project/media](https://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media)

همان‌گونه که جدول بیانگر است با اعمال تحریم‌های ثانویه در سال ۲۰۱۸ روند فروش نفت ایران رو به کاهش شدید حرکت کرد. این روند کاهشی تا سال ۲۰۲۱ تداوم یافت و در سال ۲۰۲۳ و اوایل ۲۰۲۴ فروش نفت ایران و صادرات آن نیز افزایش یافته است. ایران با تأمین نفت چین از ۲۵ درصد در سال ۲۰۱۱ در آغاز تحریم‌ها به ۳۶/۷ درصد در سال ۲۰۲۳ رسید. با آغاز تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران، دسترسی به سرمایه خارجی، تکنولوژی مورد نیاز در جهت ارتقای بخش انرژی ایران را با مشکل مواجه نمود. همین امر باعث وابستگی بیشتر ایران به چین برای واردات نفت و مبارزه با تحریم‌های غربی و عقب‌نشینی شرکت‌های غربی در بخش نفت و گاز ایران بود و باعث شد چین به‌عنوان سرمایه‌گذار مهم در بخش نفت و گاز ایران محسوب گردد (Yacoubian, 2023).

زمان تعلیق شرکت‌های چینی برای واردات نفت از ایران تا آوریل ۲۰۱۹ بوده است. اما چینی‌ها با دور زدن تحریم و مبهم‌سازی‌هایی از جمله تانکرهای کشور ثالث برای دریافت نفت و مقصد نهایی آن، با هویت جعلی از کشورهایی مثل مالزی، امارات متحده و عمان درصدد وارد کردن نفت از ایران می‌باشند. اما بنا بر داده‌های رسمی چین، خرید نفت ایران در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته است. این مسئله بیانگر

این است که چین خود را به تحریم‌های ثانوی آمریکا پایبند نشان می‌دهد تا خود نیز مشمول اعمال تحریم از سوی آمریکا از جمله از دست دادن سیستم مالی آمریکا نگردد. واردات رسمی چین از ایران در سال ۲۰۱۹ به‌طور میانگین ۵۸۹ میلیون دلار در همراه بود و در سال ۲۰۲۰ به میانگین ۱۱۸ میلیون دلار در همراه رسید که این امر کاهش ۸۲ درصدی سالانه را نمایانگر است (Green & Roth, 2021, p11-12). در سال ۲۰۲۰ واردات چین از ایران ۹۴ درصد کاهش یافت. این درحالی است که واردات چین از قطر، کویت و امارات متحده عربی به ترتیب ۶۵۱ درصد، ۱۸ درصد و ۸ درصد افزایش یافته است.

از نظر چینی‌ها، ایران حیاتی‌ترین حلقه اتصال مسیر خاورمیانه برای ادامه طرح یک کمربند - یک جاده طرح شده از سوی آن‌ها است. شرکت‌ها و کمپانی‌های چینی از طریق مدرن کردن زیرساخت‌های حمل و نقل ایران و سرمایه‌گذاری در این بخش اقدام کرده‌اند و به‌ویژه که این زیرساخت‌های ریلی، متصل به کشورهای همسایه ایران مانند عمان می‌شود که با وام گرفتن از چین در تلاش برای تقویت زیرساخت‌های حمل و نقلی و ارتباطاتی خود هستند. به همین منظور چین مجموع ۲۸۰ میلیارد دلار در صنعت نفت و گاز ایران و بخش پتروشیمی سرمایه‌گذاری کرد، همچنین با سرمایه‌گذاری ۱۲۰ میلیارد دلار در صنعت حمل و نقل ایران و زیرساخت‌های آن موافقت کرد (Weinstein, 2019: p 215).

این وضعیت بیانگر این است که دولت چین در برابر تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، یک سیاست محتاطانه‌ای را در پیش گرفته است به‌گونه‌ای که از یک‌سو به دنباله‌روی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران پرداخته و میزان نفت وارداتی خود از ایران را کاهش داده است و از سوی دیگر در بخش‌های صنعتی ایران سرمایه‌گذاری‌های کلانی کرده است.

### نتیجه‌گیری

تبیین تأثیر تحریم‌های ایالات متحده بر تعاملات دوجانبه ایران و چین با کاربست دو تئوری نواقع‌گرایی و دیپلماسی تحریم نشان می‌دهد که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، عامل تعیین‌کننده رفتار دولت‌ها و اهداف اقتصادی کشورها و اقتصاد بین‌الملل است. فشار تحریم‌های بین‌المللی آمریکا علیه ایران و چین و کسب سود نسبی اقتصادی از تجارت با هم، عامل اصلی نزدیکی این دو دولت به یکدیگر بوده است. همان‌گونه که والتز نیز معتقد است که چگونگی توزیع قدرت بین کشورها بر

نوع و شکل اقتصاد بین‌الملل تأثیر گذاشته و رفتار اقتصادی کشورها را نیز تعیین می‌کند، رفتار ایران در قبال چین به‌عنوان یک قدرت و پدیده نوظهور سیستم بین‌المللی بیانگر این است که این دولت به‌خوبی قادر به درک فشارهای سیستمیک نظام به‌ویژه فشارهای وارده از سوی هژمون نظام است و به همین دلیل از همان ابتدای انقلاب اسلامی در صد دور زدن فشارهای تحریم آمریکا از طریق توسعه تعاملات خود با چین بوده است که اوج این تعاملات را می‌توان در توافق‌نامه‌ای که در ۲۰ ژوئای ۲۰۲۰ امضا کرده‌اند، مشاهده کرد. ایران به‌خوبی از جایگاه کشور چین در نظام بین‌المللی و نقش و تأثیری که این دولت در اقتصاد بین‌المللی ایفا می‌کند، بهره برده است: حضور چین در شورای امنیت سازمان ملل و بهره‌مندی از قدرت چین به‌عنوان یک اهرم موازنه در برابر تحریم‌های مالی و تجاری ایران استفاده کند. دولت چین نیز با درک اینکه جمهوری اسلامی ایران، به آن نیاز دارد، تلاش کرده است تا با حفظ روابط تجاری و مالی خود با ایران، به سایر اهداف سیاسی و اقتصادی بلند مدت در منطقه برسد به‌ویژه اهداف ژئوپلیتیکی که با طرح یک کمربند و یک جاده گر خورده است. به همین دلیل دولت چین، در برابر تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، سیاست حفظ توازن محتاطانه‌ای را در پیش گرفته است. این دولت با کاهش خرید نفت از ایران در مقاطعی از سیاست آمریکا مبنی بر فشار بر ایران جهت تغییر رفتار ایران در منطقه، از آن پیروی کرده است، اما در عین حال با افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌های مختلف صنعتی ایران به‌ویژه در بخش انرژی ایران، تلاش کرده است تا از سود سرشاری که حاصل از این سرمایه‌گذاری‌ها است عقب نماند. پس همان‌گونه که نوواقع‌گرایان معتقدند، ممکن است که در ساختار آنارشیک نظام بین‌المللی، عواید اقتصادی تحت‌الشعاع منافع سیاسی قرار گیرند و دولت‌های نظام به‌ویژه قدرت‌های بزرگ، همواره از چگونگی توزیع این عواید ناشی از همکاری نگران و از آن بترسند که مبادا در سیستم تجارت بین‌المللی دیگران بیشتر از آن‌ها سود ببرند؛ از این رو دولت ایالات متحده، از ظهور چین به‌عنوان یک قدرت اقتصادی بزرگ نظام بین‌المللی و ارتقای جایگاه آن در نظام بین‌المللی، نگران شده و در صد کنترل و تحریم‌های تجاری علیه چین برآمده است. بنابراین هر دو قدرت در رقابت برای کسب سود نسبی در نظام بین‌المللی با استفاده از ابزارهای اقتصادی برآمده‌اند و شاید بتوان گفت احتمالاً در آینده چین از ایران به‌صورت یک ضربه‌گیر در برابر فشارهای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه بهره ببرد.

## References

- Arms Control Association(2021), “Timeline of Nuclear Diplomacy with Iran,”. <https://www.armscontrol.org/factsheets/Timeline-of-Nuclear-Diplomacy-With-Iran>
- Bartlett, J; Ophel, M (2022). Sanctions by the Numbers: U.S. Secondary Sanctions, available at: <https://www.cnas.org/publications/reports/sanctions-by-the-numbers-u-s-secondary-sanctions>.
- Barrye, Carter. (1988). International Economic Sanctions: Improving the Haphazard U.S Legal Regime. *California Law Review*, 75(4).1159-1276.
- Baylis,John.,Steve Smith(2013). *The Globalization of World Politics:An Introduction to International Relations*. (Translated By: Abolghasem Rahchamani).Tehran:Tehran International Studies & Research Institute. (In Persian).
- Bird, Julia, Mathilde Lebrand, and Anthony J. Venables. 2020. “The Belt and Road Initiative: Reshaping EconomicGeography in Central Asia?” *Journal of Development Economics* 144: 102441. <https://doi.org/10.1016/J.JDEVECO.2020.102441>.
- Bratton, P. (2018). When Is Coercion Successful?. *Naval War College Review*, 58(3), 10-1.
- China Global Investment Tracker(2024). <https://www.aei.org/china-global-investment-tracker/>
- Davis, Marybeth, Leckey, James, Froscher, Torry, Chen, David, Kerevel, Abel, Schlaikjer, Stephen (2019). China – Iran: A Limited Partnership. *RAND*, <http://www.rand.org>.
- Dehghani Firouzabadi,Jalal(2016). *Principes and Fundamentals of International Relations(2)*.Tehran: Samt. (In Persian).
- Devonshire-Ellis. (2023). China’s 2023 Trade and Investment with Iran: Development Trends. Silk road briefing. <https://www.silkroadbriefing.com/news/2023/02/08/chinas-2023-trade-andinvestment-with-iran-development-trends/>
- Donnelly, Jack, (2000).Realism and International Relations. *Cambridge University Press*.
- Fassihi, Farnaz, Steven, Lee Myers (2020).Defying U.S.,China and Iran Near Trade and Military Partnership.Newyork Tims, <http://www.nytimes.com/2020/07/11/world/asia/china-iran->
- Fit, Brandon (2019). U.S. and Iranian Competition: The Impact of China and Russia. *Center for Strategic International Studies*, CSIS.
- Ghaderi, Elnaz (2018). The Impact of the United S ates Sanction on Iran’s Trade Flows –A Gravity Model Approach. *Middel East Institutest*, 51(2),
- Green,Will.,Roth,Taylor(2021). China-Iran Relations: A Limited but Enduring Strategic Partnership, U.S.- China E conomic and Security Reveiw Commission. Available at: [https://www.uscc.gov/sites/default/files/2021-06/China-Iran\\_Relations.pdf](https://www.uscc.gov/sites/default/files/2021-06/China-Iran_Relations.pdf)
- Gorge,A. (1997). Forceful Persuasion: Coercive Diplomacy as an Alternative to War,*Washington, D.C. United States Institute of Peace Press*.68.
- Harold, Scott (2018).China and Iran: Ecinomic, Political and Militar Relations. *RAND*, <http://www.rand.org>.

- Houlden, Gordon, Zaaout, Nouredin, (2019). A New Power Engages with the Middle East: China's Middle East Balancing Approach. *China Institute, University of Alberta*.
- Hussain, Mehmood., Jamali, Ahmed., Nisar, Rana., Omar, Abdulfattah (2024). The China-Iran strategic deal and CPEC: Navigating the influence of pragmatic balancing in China's relations with Iran and Pakistan. *Politics & Policy*, 52, 227-244. DOI: 10.1111/polp.12573
- Jin, Wang, (2020). China and Iran: A New Alliance?. *The Diplomat*, <http://www.thediplomat.com/2016/09/china-Saudi-arabia-anew-alliance/>.
- Kazerooni, Alireza., Khezri, Avin (2018). The Impact of Economic Sanctions on Import of Iran Capital, Intermediate and Consumer Goods (1981-2013). *Majlis & Rahbord*, 25(93), 393-420. (In Persian).
- Khatinoglu, Dalga. 2022. "China Grossly Underreported Oil and Other Imports from Iran." *Iran International*. <https://www.iranintl.com/en/202202208353>.
- Katesman, Kenneth, (2020). Iran Sanctions. *Congressional Research Service*, <http://crsreports.congress.gov>, April 14 / 2020.
- Khalid, Zaki (2020). Assessing the Future of China – Iran Strategic Partnership. *Center for Strategic and Contemporary Research*, Available at: <https://cscr.pk/explore/themes/trade-economics/assessing-the-future-of-china-iran-strategic-partnership>
- Larson, Deborah Welch (2020). Can China the International System? The Role of Moral Leadership. *The Chinese Journal of International Politics*, 13(2)
- Mermertas, Halis (2024). The Extra Territorial And Secondary Sanctions Of The United States Against Iran, Their Effects And Iran's Reactions, the Degree of Master of Arts, the Department of Middle East Studies.
- Moshirzadeh, Homeira (2023). Development in International Relations Theories. Tehran: Samt. (In Persian)
- National Bureau of Statistical of China (2023). New Statistical Yearbooks. Available at: <https://www.stats.gov.cn/english/Statisticaldata/yearbook/>
- Opec Annual Statistical Bulletin (2023). available at: [https://www.opec.org/opec\\_web/static\\_files\\_project/media/downloads/publications/ASB\\_2023.pdf](https://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/publications/ASB_2023.pdf)
- Pei, Minxin (2020). China's Coming Upheaval: Competition, the Coronavirus, and the Weakness of Xi Jinping. *Foreign Affairs*.
- Razavi, Mohammad Hassan., Zeynolini, Fateme (2018). The Impact of Reinstatement of US Secondary Sanctions on Iran's Oil and Gas Sector: Opportunities and Challenges. *Energy Law Studies*, 4(1), 37-60. <https://doi.org/10.22059/jrels.2018.260633.213>. (In Persian)
- Sagin, V (11/07/2018). Sanctions were imposed against Iran, what now?, extraction date: 10/10/2014, <https://ir.sputniknews.com>. (In Persian)
- Sauer, T. (2019). *Coercive Diplomacy Revisited: The Iranian Nuclear Weapons Crisis*, International Studies Association (ISA), Chicago.
- Shatez, Howard j (2020). Economic Competition in the 21<sup>st</sup> Century. *RAND*, <http://www.rand.org>.
- Taliaferro, Jeffrey, (2006). State Building for Future Wars : Neoclassical Realism and the Resource Extracive stata. *Security Studies* 2(3).

- Thomas, Clayton., Rosen, Liana., Elsea, Jennifer (2024). Iran's Petroleum Exports to China and U.S. Sanctions, Congressional Research Service, Available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IN/IN12267>
- Tiezzi, Shannon. 2021. "What's in the China-Iran Strategic Cooperation Agreement?" *The Diplomat* 2021. <https://thediplomat.com/2021/03/whats-in-the-china-iran-strategic-cooperation-agreement/>.
- U.S. Energy Information Administration. (2022). Country Analysis Executive Summary: Iran. In <https://www.eia.gov/>. Retrieved 2023, from [https://www.eia.gov/international/content/analysis/countries\\_long/Iran/pdf/iran\\_exe.pdf](https://www.eia.gov/international/content/analysis/countries_long/Iran/pdf/iran_exe.pdf)
- Wieclawski, Jacek, (2019). Contemporary Realism and the Foreign Policy of the China. *International Journal of Business and Social Science*, 2(1)
- Weinstein, Michaela, (2019). China Geostrategy: Playing a Waiting Game. at. <http://www.pinr.com>.
- World Bank Group (2023). <https://data.worldbank.org/country/iran-islamic-rep?view=chart>
- Yacoubian. (2023). Iran's Increasing Reliance on China. <https://iranprimer.usip.org/blog/2019/sep/11/irans-increasing-reliance-china>.

